

ایرانیان باستان به گواهی تاریخ ملتی شاد بودند.

جشن های پی در پی روح آنان را طراوت می بخشید . حتا اعراب به فستیوال ،مهرجان می گویند که معرب جشن مهرگان ماست.

جشن از واژه اوستایی یسنه گرفته شده که کاربردی فراتر از شادی و شادخواری داشته و اغلب برای ایین های همگانی ای به کار می رفته که با خواندن یسنه یعنی سرود و نیایش همراه بوده است.در سال ۱۳۰۴ خورشیدی ،آغاز سال را رسماً در اول بهار نهادند و برای ماه های سال نیز همان نامهای گاهشماری دوره باستان را به کار بردند.ایرانیان هر روز را به نام ایزدی می نامیدند تا مردم در آن روز به یاد وی و صفت مشخصه وی باشند.انان ماه های سال را نیز به نام ایزدان مهم خود می نامیدند.

تقارن روز و ماه نامیده به نام ایزدی خاص ،فرستی شایسته برای گرامیداشت ان ایزد و جشن و شادی ایجاد می کرد.این جشن ها غیر دینی بود ولی جشن های نوروز دینی بود و ۶ جشن موسوم به گاهانبار که جشن بزرگداشت افرینش های ۶ گانه بود که در مجموع نشاط را به ایرانیان هدیه می کرد. جشن های گاهانبار برای آسمان-اب-زمین-گیاه-گاو-کیومرث برگزار می شود.ابداع نوروز را به جمشید پادشاه کیانی نسبت می دهند.در فروردین علاوه بر عید نوروز سه جشن دیگر هم می گیرند.

روز ششم زادروز زردشت است. روز هفدهم این ماه روز سروش یا ایزد فرمانبری از اهورا مزداست. روز نوزدهم فروردینگان است .

اردیبهشتگان: روز سوم ماه اردیبهشت که برای ایزد موکل بر آتش یا اردیبهشت برگزار می شود.

خردادگان: روز ششم ماه خرداد که برای ایزد نگاهبان اب است.

تیرگان: روز سیزدهم تیر در بزرگداشت تیر اندازی ارش است.

امردادگان: در بزرگداشت ایزد نگاهبان گیاه است.

شهریورگان: روز چهارم شهریور که جزو جشنهای آتش است.

مهرگان: روز شانزدهم ماه مهر در ستایش ایزد مهر است.

آبانگان: دهمین روز ماه در ستایش اب و ایزد موکل ان.

آذرگان: ایینهایی برای آتش و بهار.

جشن یلدا: در شب نخستین روز دی. تولد خورشید

دی ماه: نخستین روز در این ماه که جشن خرم روز برگزار می شود. در روزهای دیگر آن جشن سیر و دیگان می گیرند.

بهمنگان: خوردن و اشامیدن دسته جمعی .

سده: پنجمین روز ماه بهمن. پیدایش آتش در این روز.

اسفند: پنجمین روز به نام ایزد بانوی ایرانیان - عید زنان.